

بحر در کوزه

در اواخر جوانی بسیاری چیزها جاذبه و دافعه ادواری دارند. فرقی هم نمی‌کند جوان چند سال پیش باشی یا جوان امروز یا چند سال بعد؛ به هر

حال با وجود همه تفاوت‌های نسلی، گاهی همان چیزها که تو را جذب می‌کرده تعدادی جوان‌های امروزی را هم درگیر می‌کند و احتمالاً در دوره‌ای دغدغه‌های ذهنی جوانان چند سال بعد هم خواهد شد. نمونه‌اش مغناطیس بعضی کتاب‌ها و نویسنده‌ها و شاعران است و خیلی چیزهای دیگر که می‌بینم همان‌طور که ما در دوره‌هایی مجنونشان می‌شدیم هنوز هم جوان‌ها را شیدا می‌کند و به تب و تاب می‌اندازد تا در محافل گروهی‌شان همه دانسته‌های تنک را با حرارت رو کنند و چنان به تأثر از دل برگشند که خود نویسنده و شاعر، زمان نوشتن و سرودن از دل برنکشیده است. بعد هرچه جلوتر می‌روی می‌بینی بت‌هایت یکی‌یکی فرو می‌ریزند جز اندکی و اعجاز کلام بسیاری کمرنگ تر می‌شود مگر حرف حسابی که گرد زمانه جلایش را نبرده باشد که به خاطرت می‌ماند، اما سال‌ها پیش جز ادبیات با کتاب‌ها و اشعار و احیاناً نویسنده‌ها و شاعران جوان‌مرگ شده‌اش و جز جادوی هنر، چیز دیگری هم برای من جاذبه داشت که عرفان بود. نمی‌دانم تبش از کجا شروع شده بود شاید از نمونه‌های متن‌های عرفانی کتاب‌های فارسی، اما هر چه بود متون و کرامات عارفانه جاذبه‌ای یافته بودند برتر از قصه‌های دیو و پری و جادوهای هزاران ساله در غارهای سحرآمیز.

بعدتر آن جاذبه هم دوره‌اش را طی کرد و راست‌تر این‌که بعد از آن دوره دیدم رستگاری به بهای عزلت‌گزیدگی و دامن برچیدن از دنیا به مذاق من سازگار نیست تا مدتی پیش که رمان «گاه ناچیزی مرگ» را خواندم. نه به خاطر جایزه بوکر عربی‌اش و نه به خاطر نویسنده‌ای که پیش از این اصلاً اورا نمی‌شناختم، بلکه فقط به پیشنهاد عزیزی کار را دست گرفتم و با نخستین فصل‌ها دلم چنان زبانه کشید که انگار در تمام این سال‌ها تکه زغال نیم‌سوزی بوده در تاریکخانه‌ای به انتظار نشسته تا یک نفر برسد با یک فوت‌چاندان.

تصور نمی‌کردم بشود بر پایه زندگی «این عربی» چنین رمان خوشخوان و عظیمی با این بنای پولادین و ساختار مستحکم بنا کرد. شگفت این‌که نویسنده فراموش نکرده دارد داستان می‌نویسد و به دام اطلاعات فلسفی، تاریخی و عرفانی گیر نیفتاده است. اثری است مملو از زندگی با همه زیبایی‌ها و رنج‌ها و عشق‌ها و لغزش‌ها و یقین‌هایش. اگر به متون فلسفی و عرفانی علاقه‌مندید، اما حوصله خواندن رمان در شما نبوده این اثر را از دست ندهید که جهانی زندگی است در چهارصد و چند صفحه. ▮

آناهیتا آروان

داستان‌نویس

شاید باور این‌که رمانی مذهبی‌که از ماجرای تشریف به محضر حجت‌بن‌الحسن (عج) حرف می‌زند این میزان از فروش را کسب کرده، اتفاقی باورنکردنی باشد، ولی باید گفت این کتاب معیار خوبی برای این است تا ببینیم جامعه و سلیقه آن به چه آثاری گرایش دارد

مروری بر پرفروش‌ترین رمان مهدوی بازار کتاب

داستان يك تشریف!

انتشار ۱۴۴ هزار نسخه از يك کتاب در این روزگار که کتاب‌های داستانی با تیراژهای ۷۰۰ و ۵۰۰ نسخه منتشر می‌شود نه تنها خیره‌کننده، بلکه عددی بزرگ و

رکوردی قابل توجه محسوب می‌شود. نکته جالب ماجرا این است که این عدد برای يك کتاب با درونمایه مذهبی رقم خورده و برخلاف تبلیغات طیفی که آثار مذهبی را بدون مخاطب معرفی می‌کند، يك کتاب با رنگ و بوی دینی توانسته به فروش نزدیک به ۱۵۰ هزار نسخه دست پیدا کند که این به معنای اقبال مخاطب به يك اثر با مضمون دینی است. بخش جالب‌تر ماجرا این است که نویسنده این کتاب هم يك طلبه است که باز هم نشان می‌دهد تبلیغات آن‌طور که نشان می‌دهند نیست و مخاطبان پای سخنان

يك طلبه آن هم از جنس داستان‌نویس می‌نشینند و حاضرند عدد قابل توجهی از کتاب‌ها را خریداری و اثرش را تبدیل به یکی از پرفروش‌ترین آثار داستانی سال‌های اخیر کنند. صبر کنید که هنوز ماجرا تمام نشده است! اگر بگوییم این رقم برای رمان دینی يك طلبه که با مضمون تشریف به محضر ولی‌عصر (عج) نوشته شده حتماً بیشتر تعجب خواهید کرد. رمانی که در آن به ماجرای تشریف یکی از

شیعیان به محضر امام زمان (عج) پرداخته شده و خواننده از زاویه يك اثر داستانی با مشکلات شیعیان در عصر غیبت و تسلط حاکم جور روبه‌رو شده است.

تمام آنچه بالاتر گفتیم درباره رمان «رویای نیمه شب» اثر حجت‌الاسلام مظفر سالاری بود که انتشارات کتابستان معرفت آن را منتشر کرده است. اثری که طی ۵ سال اخیر توانسته به این حجم از فروش و توجه مخاطبان دست پیدا

کند و به عنوان یکی از پرفروش‌ترین آثار دینی سال‌های اخیر مطرح شود. اثری که عشق در آن محوریت دارد و می‌توان از آن به عنوان يك عاشقانه مذهبی نیز یاد کرد. عشقی که تمام ویژگی‌های عشق را داراست، اما ویژگی اصلی این اثر عقیق بودن آن است. اتفاقی که باب تازه‌ای در آثار مذهبی و دینی می‌تواند

محسوب شود که يك اثر مذهبی روایتی عاشقانه آن هم از دختری شیعه و پسری سنی مذهب را روایت می‌کند و در بستر تقریب مذاهب می‌توان به آن نگاه کرد. فضای سازی در این اثر نکته‌ای است که تا آنجا که امکان داشته رعایت شده و شخصیت‌ها هر کدام در نقشی که برعهده دارند، حضور قابل قبول و باورپذیری دارند و از این حیث باید گفت که خواننده با شخصیت‌ها و موقعیت مکانی اثر ارتباطی منطقی برقرار می‌کند.

این اثر ماجرای تشریف يك حمامی به نام ابوراجح را برای خواننده بازگو می‌کند و نگاه دستگاه حکومت به شیعیان را بازگو کرده است. اثری که در آن ابعاد اجتماعی روزگار و زمانه نیز مطرح می‌شود و خواننده در موقعیت شرایط اجتماعی عصری که داستان در آن روی داده نیز قرار می‌گیرد و با اتفاقات همراه می‌شود. به تعبیری نویسنده درصدد

روایت يك تشریف نبوده، بلکه در اثری که خلق کرده کوشیده زوایای مختلفی از روزگار و مناسبات افراد را به تصویر بکشد که می‌بینیم در این اثر این اتفاق افتاده است. خواننده «رویای نیمه شب» شاهد نحوه تعاملات میان شیعیان و سنی‌مذهبان در جامعه‌ای که حاکم آن با شیعیان رابطه تیره و تاری دارد، است و می‌بیند که در شرایط سخت مذاهب مختلف پشت هم قرار می‌گیرند.

نکته دیگری که درباره این اثر باید به آن اشاره شود برجسته بودن بهره‌مند شدن شیعیان در روزگار غیبت از وجود امام عصر (عج) است. در این اثر نویسنده تلاش کرده از افتادن به ورطه شعار پرهیز کند و اثری داستانی بر اساس باورهای شیعیان در این زمینه خلق کند.

شاید باور این‌که رمانی مذهبی که از ماجرای تشریف به محضر حجت‌بن‌الحسن (عج) حرف می‌زند این میزان از فروش را کسب کرده، اتفاقی باورنکردنی باشد، ولی باید گفت این کتاب معیار خوبی برای این است تا ببینیم جامعه و سلیقه آن به چه آثاری گرایش دارد و در صورت تولید با کیفیت داخلی سراغ نمونه‌های خارجی که مروج سبک زندگی آنهاست نمی‌رود. رمان «رویای نیمه شب» اثر مظفر سالاری بی‌شک اثری بی‌عیب و نقص نیست و تمام آنچه گفتیم به معنای این نیست که با اثری شاهکار روبه‌رو می‌شوید بلکه حرف اصلی این است؛ اثری که توانسته تا این میزان توجه خواننده و مخاطب را جلب کند در واقع توانسته به حداقل‌هایی از نیاز مخاطب پاسخ بگوید و در کانون توجه او قرار بگیرد و به همین خاطر می‌تواند ملاکی برای نویسنده‌های داخلی باشد که در صورت تولید در چه زمینه‌هایی می‌توانند توجه خوانندگان را به سمت خود معطوف کنند. ▮

